

میان‌کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد

مهدی درگاهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۱۵

چکیده

قاعده حفظ نظام که برخاسته از متن دین و بنا شده بر مبانی خدشه ناپذیر فقه جعفری است در پرتو حفظ مصالح و امنیت نظام تبلور یافته و در حوزه صدور احکام شرعی، منشأ بسیاری از احکام جزئی است. اما گستره این قاعده، در میان‌کنش با ممنوعیت ورود به حریم خصوصی افراد و قلمرویی که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی برخوردار بوده و تصمیم‌گیری و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست، چندان هُویدا نیست. به جهت آن‌که تحقیقی موسع و یکپارچه در این باره صورت نگرفته است! از این رو پرسش از میان‌کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد، مسئله‌ای است که نیازمند کاویدن تا مرحله پاسخی درخور است. قاعده حفظ نظام با ایجاد عنوان ثانوی حفظ مصالح و امنیت نظام، در فرضی که حرمت تجسس و تفحص و عمل مطابق آن، خود موجبات اختلال نظام را فراهم سازد، به دخالت و نظارت بر قلمرو حریم خصوصی افراد، مشروعیت می‌بخشد. این مقاله با هدف شناخت حدود و ثغور ادله قاعده حفظ نظام و میان‌کنش آن با حریم خصوصی افراد انجام شده و نیل به این مقصد در سایه توصیف و تحلیل گزاره‌های فقهی با گردآوری داده‌های کتابخانه میسر است که نتیجه آن، تبیین میان‌کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد و نحوه دلالت آن بر لزوم حمایت از حریم خصوصی افراد خواهد بود.

کلید واژه‌ها: قاعده حفظ نظام؛ حریم خصوصی افراد؛ حکم ثانوی

مقدمه

ترسیم قلمرویی از زندگی انسان که از نظارت دیگران در امان باشد و انتظار دارد که جز با رضایت وی هیچ شخصی در آن ورود پیدا نکند و آن را پایش ننماید، قدمتی به درازای حیات بشر دارد. اما توجه به حق حریم خصوصی و تلاش بر حفظ آن در برابر عوامل تهدید کننده از مسائل عصر جدید است.

با زایش تفکر سیاسی مدرن در سده‌های هجدهم و نوزدهم و ظهور جریان‌های لیبرال و فردگرا، حقوق و آزادی‌های فردی به‌عنوان بخش عمده‌ای از مطالبات شهروندان مطرح گردید به‌طوری که عدم دخالت در زندگی خصوصی شهروندان از سوی دولت‌ها، مهم‌ترین مشخصه یک دولت لیبرال شد؛ تا جایی که پذیرش قلمرو حریم خصوصی از آرزوها و مطالبات عمومی انسان‌ها و ازجمله مهم‌ترین موضوعات حقوق بشری گشت و در ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر (۱۹۴۸ م) چنین مقرر شد که «احدی نباید در زندگی خصوصی، امور خانوادگی، اقامتگاه یا مکاتبات خود مورد تعرض خودسرانه قرار گیرد. شرافت و آبرو و شهرت کسی نباید مورد حمله واقع شود. هر کس حق دارد که در مقابل این‌گونه تعرضات و حملات، مورد حمایت قانون قرار گیرد».

ماده ۱۰۱۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی ۱۹۶۶، ماده ۵ کنوانسیون بین‌المللی منع کلیه اشکال تبعیض نژادی ۱۹۶۶، ماده ۱۱ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر ۱۹۶۹، ماده ۱۰ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی و همچنین ماده ۱۸ اعلامیه اسلامی حقوق بشر مصوب ۱۴۱۱ در قاهره توسط دولت‌های عضو کنفرانس اسلامی، ازجمله اسناد مهم و پایه‌گذار حمایت از حریم خصوصی شهروندان در سطح بین‌الملل است.

نقطه کانونی بحث در این اسناد عمدتاً پیرامون حقوق فردی و آزادی‌های عمومی است و تأمل مستقل و قابل توجهی درباره «حریم خصوصی» و قلمرو آن صورت نپذیرفته است و عمدتاً مطالب، ذیل مباحث مربوط به حقوق و آزادی‌ها مطرح گردیده است. [۱] علاوه بر این که تشخیص مرزبندی بین آزادی‌های خصوصی و آزادی‌های عمومی در موارد مذکور در این اسناد، سهل و آسان نیست و اکثریت حقوق و آزادی‌های یاد شده در آن، در کشورهای مدعی دفاع از آزادی و حقوق فردی، استثنای پذیر است. هر نظام سیاسی با ایجاد دولت و حکومت، برای اداره کشور در عرصه داخلی و خارجی نیازمند رصد مسائل اطلاعاتی و امنیتی است. هرچند دولت‌ها به‌طور علنی به تجسس‌ات خود اذعان نمی‌کنند، ولی به این جاسوسی‌ها واقف هستند و وقتی مسائل جاسوسی افشا می‌شود به جهت همراهی با افکار عمومی به آن انتقاد می‌کنند ولی آرام از کنار آن رد می‌شوند چه این که خود هم به آن مبتلا هستند و احساس می‌کنند بدون این تجسس‌ها و

کسب اطلاعات نمی‌توانند مصالح کشور و موقعیت خود را در جهان حفظ کنند و آن را از ضرورت‌های زندگی اجتماعی خود می‌دانند. بنابراین مداخله دولت‌ها امری پذیرفته شده است؛ و این حاکی از آن است که حریم خصوصی به‌صورت مطلق معنا پیدا نمی‌کند.

مبانی فقهی - حقوقی و احکام مربوط به حریم خصوصی افراد در فقه جعفری با وجود ریشه داشتن در منابع، به‌صورت خاص، مدون و مستقل صورت نگرفته است و فقها عنوان خاصی در این مورد تدوین نکرده‌اند؛ و چون پیروان ولایت امیرالمؤمنین(ع) سالیان بسیاری از رسیدن به حکومت و تشکیل نظام سیاسی اسلام مبتنی بر فقه جعفری محروم بوده‌اند، میان‌کنش ضرورت حفظ نظام و حفظ حریم خصوصی افراد کمتر مورد توجه اندیشمندان حوزه فقه قرار گرفته است. بنابراین ضروری است با نگاهی به ادله و روشن نمودن محدوده دلالت آن‌ها، نحوه دلالت آن بر لزوم حمایت از حریم خصوصی افراد مورد توجه قرار گیرد تا هرگونه افراط و تفریطی که باعث وهن اسلام می‌شود صورت نگیرد و این امر با مراجعه به متون و منابع فقهی و تتبع در آن، صورت می‌پذیرد.

در ادامه، پس از تعریف برخی مفاهیم اساسی، با اختصار، به ادله حریم خصوصی در فقه اشاره شده و مبانی قاعده حفظ نظام و تأثیر آن بر تجسس، مطرح می‌گردد و در آخر رویارویی ادله قاعده حفظ نظام با ادله حرمت نقض حریم خصوصی به دو شکل تبیین شده و شرایط و محدودیت‌های آن، بیان خواهد شد.

تبیین مفهوم برخی اصطلاحات

۱- قاعده حفظ نظام

برای آشنایی با مفهوم «قاعده حفظ نظام» لازم است سه مفهوم «قاعده»، «نظام» و «حفظ نظام» به ترتیب و تفکیک ذیل روشن شود.

۱-۱- قاعده

مراد از قاعده، «فرمول کلی‌ای است که منشأ استنباط قوانین محدودتر بوده و اختصاص به یک مورد خاص ندارد؛ بلکه مبنای قوانین مختلف و متعدد قرار می‌گیرد» (محقق داماد، ۱۳۸۰، ج ۱، ۲۱). پس مراد از «قاعده [وجوب] حفظ نظام» فرمول و حکمی کلی است که مستند به منابع متعدد فقهی بوده و دربردارنده حکم واقعی است و بسیاری از احکام جزئی نشأت گرفته از آن بوده و در ابواب گوناگون فقه به کار می‌رود.

۱-۲- نظام

نظام، مصدر ثلاثی مزید و به معنای نظم دادن، به رشته کشیدن مروارید، سیره و عادت آمده است (ابن منظور، ۱۴۱۶ ق، ذیل ماده نظم). و با وجود کاربرد شایع آن در متون فقهی و حقوقی، کمتر مورد تعریف و تفسیر فقها قرار گرفته است. مراد از «نظام»، ساختار عامی است که انسان‌ها با حفظ آن ساختار و تطبیق حرکات خود با آن به سعادت می‌رسند. مضاف الیه نظام، «نوع انسانی» است (نظام نوع انسانی)، نه «اسلامی» یا «جامعه اسلامی» و امثال آن (ر.ک: علی‌دوست، ۱۳۸۸ ش، ۱۲۶-۱۲۵)؛ و در اصطلاح به آن «نظام عام یا کلان اجتماعی» گفته می‌شود (همان). پس وقتی گفته می‌شود: «حفظ نظام واجب است»، «اخلال به نظام حرام است»، «مرامات قوانین و مقررات نظامیه لازم و مخالف با آن ناصحیح است»؛ اعم از نظام اسلامی و دینی مراد است. گاهی نیز نظام به معنای «حدودو ثغور یا کیان کشور و سرزمین‌های اسلامی»، «حکومت یا نظام سیاسی اسلام» به کار می‌رود. برجسته‌ترین مفهوم مورد نظر فقها در متون دینی، «نظام اسلام» است؛ و منظور از آن، «سازمان دین، موجودیت و استقرار حاکمیت اسلام می‌باشد و در تعبیر دیگری شامل ایدئولوژی و محتوای دین، سازمان‌های عهده‌دار آن، موجودیت عینی دین در جامعه و حالت استیلا، جو حاکم و نفوذ معنوی و اجرایی اسلام در عینیت جامعه می‌باشد» (عمید زنجانی، ۱۳۸۴ ش، ج ۸، ۳۵).

۱-۳- حفظ نظام

در فقه جعفری «حفظ نظام» یکی از عناوین ثانوی است و در موارد متعددی از آن یاد شده است. و به «تأمین حقوق مردم» (عراقی، ۱۴۱۴ ق، ص ۷) و «رفع نیازهای مردم» (اصفهانی، ۱۴۰۹ ق، ۲۱۱) تفسیر گشته است. با مطالعه مواردی که در فقه از «حفظ نظام» سخن به میان آمده، می‌توان تصویر روشن‌تری از آن به دست آورد به طوری که گویا بیش از یک عنوان ثانوی است و نقش تعیین‌کننده‌ای در دایره احکام اولیه فقهی دارد. (ورعی، ۱۳۹۳ ش، ۸)

۲- حریم خصوصی

واژه حریم، از ریشه «ح رم»، مصدر و به معنای منع و بازداشتن است (ابن فارس، ۱۴۰۴ ق، ذیل ماده حرم). و در صورت اضافه به انسان و کاربرد ترکیبی «حریم انسان» به معنای چیزی است که باید از آن دفاع کرد و به خاطر آن جنگید. (ابن منظور، ۱۴۱۶ ق؛ فیروزآبادی، ۱۴۱۲ ق، ذیل ماده حرم). واژه خصوصی، به معنای «غیرعمومی» و «اختصاصی» است (فراهیدی، ۱۴۱۴ ق، ذیل ماده خصوصی؛ طریحی، ۱۳۷۵ ش، ذیل ماده خصوصی؛ و دهخدا، ۱۳۷۳ ش، ماده خصوص و خصوصی).

«حق تنها و با خود بودن»^۱ ساده‌ترین و کوتاه‌ترین تعریفی است که از اصطلاح «حریم خصوصی» ابتدا توسط لوئیس براندیس^۲ و ساموئل وارن^۳ در سال ۱۸۹۰ در مجله حقوقی هاروارد بکار برده شد. حریم خصوصی را به مفهوم‌های مختلفی از قبیل «خلوت و تنهایی»^۴، «صمیمیت و رابطه خصوصی»^۵، «ناشناخته ماندن»^۶، «خویش‌ننگاه‌داشتن»^۷ نیز تعریف کرده‌اند. علی‌رغم تأکیدات فراوانی که بر «حریم خصوصی» در مباحث حقوقی و سیاسی - اجتماعی می‌شود، هنوز اندیشمندان این حوزه بر تعریف واحدی توافق نکرده و هر یک تعریفی ارائه نموده‌اند. این تعاریف توسط برخی نویسندگان گردآوری و مورد نقض و ابرام قرار گرفته است. (اسکندری، ۱۳۸۹ ش) و ورود و بحث و تحلیل همه این مفاهیم از موضوع اصلی این مقاله خارج است.

توجه به مجموعه آزادی‌های خصوصی و عمومی که در اسناد بین‌المللی ذکر گردیده، دو ویژگی برای حریم خصوصی افراد روشن می‌سازد؛ اول آنکه در حریم خصوصی، فرد یا افراد در برابر بازخواست و کیفر حقوقی آزاد هستند و حق دارند که شخصاً برای آن تصمیم بگیرند و دیگران در این حیطة حقی ندارند. و دوم آنکه در حیطة حریم خصوصی، اصل بر آن است که کسی (فرد، گروه، خانواده، دولت) حق مداخله ندارد و ورود به آن منطقه، مجاز نیست و دخالت دیگران در آن حریم نیاز به دلیل داشته و مجوز می‌طلبد.

با این وصف و بر اساس دو ویژگی یاد شده، گرچه ممکن است حریم خصوصی از حریم عمومی اثر پذیرد و یا بر حریم عمومی اثر بگذارد منتها توجه به دو ملاک فوق، شناخت آن را سهل می‌سازد. و می‌توان در تبیین مفهومی حریم خصوصی چنین گفت: «حریم خصوصی، آن بخش از زندگی هر انسان است که در آن از آزادی در برابر بازخواست و کیفر حقوقی، برخوردار می‌باشد و هرگونه تصمیم‌گیری درباره آن و نیز اطلاع، ورود و نظارت بر آن منحصراً در اختیار اوست و مداخله دیگران در آن یا دسترسی به آن بدون اذن او مجاز نیست».

«خصوصی بودن»، «آزادی از محدودیت‌های حقوقی»، «استقلال انحصاری در تصمیم‌گیری»، «عدم جواز دخالت و نظارت دیگران بر آن»، «خفا یا محرمانه بودن آن و عدم جواز ورود به آن و یا اطلاع از آن، بدون اجازه» از عناصر و مؤلفه‌های این تعریف بوده و در چهار مقوله کلی تقسیم می‌شود که عبارت‌اند از:

1. Theright to be left alone
2. Louis Brandeis
3. Smuel Warren
4. Solitude
5. Intimacy
6. Anonymity
7. Reserve

حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطاتی، حریم جسمانی و حریم مکانی. گاهی حریم جنسی نیز به مقوله‌های یاد شده افزوده می‌شود (جلیل قنوتی و دیگران، ۱۳۹۳ ش).

۳- حکم ثانوی

حُکم در لغت، مصدر و به معنای «مَنع از فساد و منع برای اصلاح» (راغب، ۱۴۱۲ ق، ۲۴۸؛ و ابن اثیر، بی‌تا، ج ۱، ۴۱۸) آمده و معنای «قضاوت و داوری» (جوهری، ۱۴۱۰ ق، ج ۵، ۱۹۰۱) در حقیقت یکی از مصادیق مَنع از فساد و برای اصلاح است. و حکم در اصطلاح فقهی «تشریحی است که از طرف خداوند برای منظم ساختن زندگی انسان صادر شده است» (صدر، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ۵۳ و ج ۲، ۱۲).

«حکم ثانوی» آن حکمی است که شارع آن را با نظر به حالت خاص و استثنایی جعل می‌کند و در مقابل «حکم اولی» است که نظر به مصالح و مفاسد خود موضوع جعل شده است. (ر.ک؛ حائری، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ۲۵۳ به بعد.)

اکراه، اضطرار، عسر و حرج، ضرر و اضرار، تقیه و نذر و حفظ نظام از عناوینی هستند که موجب جریان حکم ثانوی می‌شود. این حکم، موقت و در طول حکم اولی بوده و تنها شامل کسانی است که در موقعیت و عناوین فوق‌الذکر قرار می‌گیرند (ر.ک؛ بروجردی، ۱۴۱۲ ق، ج ۱، ۵۱۱؛ و خمینی، سید مصطفی، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ۳۲۴؛ صدر، ۱۴۱۸ ق، ج ۲، ۲۷۳).

مبانی حریم خصوصی در فقه جعفری و تبیین محدوده دلالی آن

با تتبع در ابواب مختلف فقهی، گزاره‌های مختلفی از کتاب و سنت وجود دارد که دلالت بر اهمیت حریم خصوصی انسان‌ها و مصونیت آن دارد. هرچند دلالت برخی تنها برای تأیید ادله دیگر ذکر گردیده است.

۱- مهم‌ترین گزاره‌ای که در آن‌ها از افراد خواسته شده است، نسبت به اسرار دیگران تجسس نکنند، آیه شریفه «لَا تَجَسَّسُوا...» (حجرات (۴۹): ۱۲) می‌باشد که در سنت نیز مورد توجه است. (مجلسی، ۱۴۰۳ ق، ج ۷، ۷۱، ح ۱ و ج ۷، ۷۲، ح ۲۵۲، ح ۲۸؛ و کلینی، ۱۳۶۵، ج ۲، ۳۵۵، ح ۵).

واژه «تجسس» به معنای پیگیری و تفحص از اموری است که مردم عنایت دارند پنهان بماند (ر.ک؛ محقق اردبیلی، بی‌تا، ۴۱۷؛ و طباطبایی، ۱۴۱۷ ق، ج ۱۸، ۳۳۳). تجسس ممکن است با نیتی فاسد چون هتک، پراکندن فحشا و آزردن مؤمنان و یا صیرف آگاهی از احوال دیگران بدون قصدی عقلائی و یا با قصد و

انگیزه‌ای سالم صورت پذیرد؛ در مورد اخیر نیز ممکن است با غرض و هدفی لازم و ضروری مانند حفظ حکومت در قبال رخنه منافقان، جلوگیری از گسترش انواع فساد اجتماعی: اخلاقی، ظاهری یا مالی، برطرف ساختن زمینه‌های گمراهی و انحراف، آگاهی از چگونگی کارکرد کارگزاران حکومت، باخبر شدن از وجود اختلاس و ارتشا، آگاهی از وضعیت نیروها و تجهیزات دشمن و ... باشد و یا با هدفی راجح و باارزش (غیر لازم) مانند یافتن افراد صلاحیت‌دار برای اعطای مناصب شایسته به آن‌ها، آگاهی از دانش‌های روز، به دست آوردن میزان رضایت عمومی از نحوه اداره امور، کشف نیازهای اجتماعی و ... باشد (ر.ک؛ خرازی، ۱۳۸۰ ش)؛ در تمام این موارد، عنوان تجسس، صدق می‌کند و با توجه به صدق موضوع (تجسس)، حکم حرمت جاری است. حتی با توجه به صدق عنوان تجسس، نمی‌توان ادعا کرد آنچه نهی شده، تجسس در امور «مسلمانان» است و تفحص از امور کافران و منافقان را شامل نمی‌شود؛ و استناد به مفهوم برخی گزاره‌های معتبر روایی (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۳، ۳۹، ح ۳۲۸۰)، برای اثبات جواز تجسس از امور مُتجاهر به فسق و در نتیجه «مُلتزم شدن به جواز تفتیش مُتجاهر، در نهایت اشکال [و خدشه] است» (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۱، ۲۷۸).

۲- گزاره‌هایی که در آن‌ها از افراد خواسته شده است، بدون اجازه به خانه کسی وارد نشوند (نور (۲۴): ۲۷ و ۲۸)؛ و حتی از اهل یک خانه نیز خواسته شده است که برای ورود به اتاق پدر و مادر در ساعت‌های خاصی اجازه بگیرند. (نور (۲۴): ۵۸ و ۵۹؛ و کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۳، ۶۷، ح ۳؛ و صدوق، ۱۴۰۳ ق، ج ۳، ۱۶۳، ح ۱). مفاد این آیات و روایات مرتبط به آن (ر.ک؛ طبرسی، ۱۳۷۲ ش، ذیل آیات شریفه)، بر حرمت ورود به حریم خصوصی مکانی و جنسی افراد بدون اذن و اجازه دلالت دارد. و از آنجاکه این مطلب با جمله «تَسْتَأْذِنُوا» (نه تستأذنوا) از ماده انس گرفته شده، اجازه باید کاملاً مؤدبانه و دوستانه و خالی از هرگونه خشونت باشد. (مکارم، ۱۳۷۴ ش، ذیل آیات شریفه).

۳- گزاره‌هایی که در آن‌ها دفاع در برابر نقض حریم خصوصی افراد، مشروع دانسته شده و خون مُتجاوز، در صورت جراحت و تلف، هَدَر اعلام گردیده است. شیخ کلینی از امام صادق ۷ در گزارشی معتبر چنین نقل می‌کند: «أَيُّهَا رَجُلُ اطَّلِعْ عَلِي قَوْمٍ فِي دَارِهِمْ لِيَنْظُرَ إِلَي عَوْرَاتِهِمْ فَرَمَوْهُ فَفَقَّوْا عَيْنِيهِ أَوْ جَرَحَوْهُ فَلَا دِيَةَ لَهُ» (کلینی، ۱۴۰۷ ق، ج ۷، ۲۹۰، ح ۱)؛ هر مردی به خانه‌های مردم سرک بکشد تا به عورات [و امور پنهان و خصوصی] آن‌ها نگاه کند و آنان به او تیراندازی کنند و چشمش را کور کنند یا او را زخمی کنند، دیه ندارد [و خون او هدر است]. وی در گزارش دیگری از آن امام همام ۷ نقل می‌کند که فرمودند: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ۷ يَقُولُ - فِي رَجُلٍ أَرَادَ امْرَأَةَ عَلِي نَفْسَهَا حَرَامًا - فَرَمْتَهُ بِحَجَرٍ فَأَصَابَ مِنْهُ مَقْتَلًا قَالَ لَيْسَ عَلَيْهَا شَيْءٌ فِيمَا بَيْنَ بَيْنِهَا وَ بَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ إِنْ قَدَّمْتَ إِلَي إِمَامٍ عَادِلٍ أَهْدُرَ دَمَهُ» (همان،

ص ۲۹۱، ح ۲؛ شنیدم امام صادق ۷ - درباره مردی که قصد کار حرام با زنی را داشت و آن زن به طرف او سنگی انداخت و او را کشت - فرمود: بین آن زن و خدا، چیزی بر او نیست و اگر پیش امام عادل برده شود، خون مرد [متجاوز] را هدر اعلام می‌کند.

در این روایات و احادیث مشابه (همان، ح ۵ و ۶) مشروعیت دفاع و هدر بودن خون متجاوز به حریم خصوصی، در صورت جراحت و تلف، با حرمت ورود به حریم خصوصی افراد تلازم دارد؛ بنابراین بر حرمت نقض حریم خصوصی افراد بر مصادیق مذکور دلالت دارد (ر.ک؛ امام خمینی، ۱۴۰۳ ق، ج ۱، ۴۸۷؛ سبزواری، ۱۴۱۳ ق، ج ۲۸، ۱۵۶).

۴- گزاره‌های دیگری وجود دارد، همچون روایاتی که در آن‌ها از افراد خواسته شده تا «از اسرار خود محافظت کنند و آن را از دیگران حفظ نمایند» (صدوق، ۱۴۱۳ ق، ج ۱، ۴۸۲، ح ۱۳۹۴)؛ «اسرار دیگران را فاش نکنند» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۳۵۹، ح ۲ و ۳)؛ «فاش کردن اسرار، مصداقی برای خیانت و ظلم به صاحب سر است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۵۲۷)؛ در این گزاره‌ها هرچند به اهمیت حریم خصوصی افراد اشاره شده است، اما استناد به آن‌ها برای اثبات حرمت ورود به حریم خصوصی افراد محل خدشه و اشکال است؛ چرا که «وجوب حفظ اسرار خود از دیگران» و «حرمت فاش کردن اسرار دیگران» تلازمی با حرمت ورود به حریم خصوصی افراد ندارد و نمی‌توان از آن برای اثبات حرمت نقض حریم خصوصی بهره جست هرچند که تأییدی برای مطلب است.

در بین دلایل مذکور، تنها دلیل اول از عموم و شمول لازم برای دربرداشتن تمام مقوله‌های حریم خصوصی افراد، برخوردار است؛ پس ورود به حریم خصوصی افراد و نقض آن با هر انگیزه‌ای، حرام و موجب به خطر افتادن ایمان و حاوی عقوبت اخروی است؛ و این حکم، شامل حال مؤمنان و مسلمانان، چه به صورت انفرادی و چه در قالب حُکام و دولتمردان می‌گردد و این مطلب در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از جمله اصول ۲۲، ۲۳، ۲۵ اشاره گردیده است.

حضرت امام خمینی (ره) نیز هنگامی که احساس کرد عده‌ای از عوامل اجرایی حکومت به بهانه گزینش افراد، به تتبع از عثرات مردم می‌پردازند و در زندگی خصوصی آنان تفحص و تجسس می‌کنند، در بیست و چهارم آذرماه سال ۱۳۶۱ فرمانی هشت ماده‌ای در این زمینه خطاب به مسئولان نظام صادر نمود و آنان را به شدت از این کار منع کرد.

مبانی قاعده [وجوب] حفظ نظام و تأثیر آن بر مشروعیت تجسس

قاعده [وجوب] حفظ نظام، در اصل یک قاعده عقلی و به تبع عقلایی است و ذکر آن در گزاره‌های شرعی، نه به معنای حکم تکلیفی مولوی بلکه از باب تأیید و ارشاد به همان حکم عقل است. از این رو ذکر ادله دیگر از باب تأیید، قابل استفاده است.

عقل و فطرت سلیم مراعات مصالح عمومی را جهت اجتماعی زیستن لازم و ضروری می‌داند و اصولاً، لازمه غیرقابل انفکاک اجتماعی زیستن، نظام‌مندی است؛ بنابراین، صیانت و حفاظت از نظام جامعه انسانی، لازم است؛ و بنا بر تلازم حکم عقل و شرع (کل ما حکم به العقل حکم به الشرع) (حکیم، ۱۴۱۸ ق، ۲۶۶ به بعد؛ و مظفر، ۱۳۷۵، ج ۱، ۲۲۲ به بعد؛ و ج ۲، ۱۳۳) واجب شرعی است.

نکته قابل توجه آنکه مناط و ملاک وجوب حفظ نظام اجتماع، مطابقت آن با «مصلحت عمومی جامعه» است؛ به عبارت دیگر، حفظ نظام به حفظ مصلحت عام برمی‌گردد، چنانکه اخلال به آن، نادیده گرفتن همین مصلحت است و ربطی به عسر، حرج و اضطرار ندارد، پس حفظ نظام واجب است، هرچند به عسر، حرج، اضطرار، ضرورت و ضرر منتهی نگردد؛ بنابراین، تک‌تک احاد جامعه مأمور به حفظ نظام و منهی از هتک و اخلال آن هستند چه اخلال، عسر، حرج، اضطرار و ... پیش آید یا نیاید (ر.ک؛ علی‌دوست، ۱۳۸۸ ش، ۱۲۷).

عقلای عالم نیز با هر دین و آیین در تمام دوران تاریخ بر ضرورت و لزوم حفظ نظام جامعه انسانی اتفاق نظر داشته و همواره کوشیده‌اند تا هر چیزی را که موجب نظام‌مندی و ثبات آن در اجتماع شود را فراهم کرده و نظام زندگی خود را از هر آسیبی مصون دارند. این راه و روش که از همان عقل و فطرت انسانی بر اساس حکمت کلیه خداوند نشأت گرفته نه تنها مورد رد و منع قرار نگرفته بلکه امضا شده است (ر.ک؛ سیفی مازندرانی، ۱۳۸۳، ۲۶-۹).

گزارش‌های رسیده از اهل بیت عصمت و طهارت، در خصوص لزوم وجود رهبر و اطاعت از رهبری واحد، در جامعه، نیز، نشان می‌دهد که لزوم حفظ نظام جامعه، قاعده‌ای مسلم و انکارناپذیر است. و به‌عنوان یک ضرورت عقلی مورد اتفاق همگان است. از حضرت علی بن موسی (علیه‌السلام) در خصوص ضرورت وجود حاکم به جهت تنظیم امور مردم گزارش شده که فرموده‌اند: «إِنَّا لَا نَجِدُ فِرْقَةَ مِنَ الْفِرْقِ وَلَا مَلَّةَ مِنَ الْمَلَلِ بَقُوا وَعَاشُوا إِلَّا بِقِيمٍ وَرَيْسٍ لِمَا لَا بَدَّ لَهُمْ مِنْهُ فِي أَمْرِ الدِّينِ وَالْدُنْيَا، فَلَمْ يَجْزِ فِي حِكْمَةِ الْحَكِيمِ أَنْ يَتْرَكَ الْخَلْقَ لِمَا يَعْلَمُ أَنَّهُ لَا بَدَّ لَهُمْ مِنْهُ، وَلَا قِوَامَ لَهُمْ إِلَّا بِهِ، فَيَقَاتِلُونَ بِهِ عَدُوَّهُمْ، وَيَقْسَمُونَ بِهِ فَيْتَهُمْ، وَيَقِيمُونَ بِهِ جَمْعَتَهُمْ وَجَمَاعَتَهُمْ، وَيَمْنَعُ ظَالِمَهُمْ مِنْ مَظْلُومِهِمْ» (صدوق، ۱۳۸۵، ج ۱، ۲۵۳)؛ «ما هیچ فرقه یا ملتی را نیافته‌ایم که باقی مانده باشد و به حیات خود ادامه دهد، مگر آنکه قییم و رئیسی داشته

باشد؛ زیرا این موضوع برای امر دین و دنیایشان ناگزیر و ضروری است. و با حکمت خدای حکیم منافات دارد که خلق را بدون رهبر واگذارد؛ چون می‌دانست این امر برای ایشان ضروری است و قوام زندگی ایشان وابسته به آن است و به این وسیله با دشمنانشان جنگیده و غنیمت را بینشان تقسیم کند و جمعه و جماعتشان را اقامه کند و در مقابل ظالم؛ از مظلوم حمایت کند».

توجه به ضرورت حفظ نظام، تنها به این قبیل گزارش‌های محصور نیست. بلکه با توجه به احادیث حضرات معصومین (علیهم السلام) که توسط برخی جمع آوری شده‌اند (صلواتی و دیگران، ۱۴۰۹ ق، ج ۴: ۳۰۶-۳۰۰)، یکی از فرایض مهم الهی بر همگان، مخصوصاً حاکم اسلامی، حفظ نظام اسلام است (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۱، ۴۹۴؛ و ج ۱۵، ص ۳۲۹). در زمان خلافت عمر بن خطاب، در جریان جنگ مسلمین با ساسانیان در ایران، عمر از حضرت علی (علیه السلام) مشورت خواست که شخصاً در نبرد حضور یابد و یا در مدینه النبوی بماند؟ آن حضرت پاسخی داد که از آن فهمیده می‌شود، «حفظ نظام جامعه اسلامی» یک امر واجب است. آن حضرت چنین فرمود: «مَكَانُ الْقِيَمِ بِالْأَمْرِ مَكَانُ النِّظَامِ مِنَ الْخَرْزِ، يَجْمَعُهُ وَ يُضْمُهُ، فَإِذَا انْقَطَعَ النُّظَامُ تَفَرَّقَ الْخَرْزُ وَ ذَهَبَ ثُمَّ لَمْ يَجْتَمِعْ بِحِذَافِيرِهِ أَبَدًا». (نهج البلاغه، خطبه ۱۴۶)؛ «جایگاه والی و سرپرست امور در میان جامعه، همچون نقش نخ است که دانه‌های تسبیح را دور خود جمع کند و آن‌ها را از پراکندگی حفظ نماید، هرگاه نخ پاره شود، دانه‌ها نیز از هم خواهند پاشید و هر کدام به سوئی خواهند افتاد که هرگز دورهم جمع نشوند».

امام خمینی (ره) در مورد اهمیت حفظ نظام اسلام و جایگاه آن نسبت به سایر فرایض می‌گوید: «حفظ اسلام، یک فریضه الهی است، بالاتر از تمام فرایض؛ یعنی هیچ فریضه‌ای در اسلام، بالاتر از حفظ خود اسلام نیست. اگر حفظ اسلام جزء فریضه‌های بزرگ است و بزرگ‌ترین فریضه است، بر همه ما و شما و همه ملت و همه روحانیون حفظ این جمهوری اسلامی از اعظم فرایض است» (همان، ۱۳۷۸، ج ۱۵، ۳۲۹). در واقع، سخن امام (ره) ناظر به وجود سلسله‌مراتبی است که میان مفاهیم مختلف نظام وجود دارد؛ با این توضیح که برای حفظ نظام اسلام، حفظ حکومت - یعنی جمهوری اسلامی - واجب است. (ر.ک: ملک افضلی، ۱۳۸۹ ش).

حفظ نظام اسلام و پاسداری از آن درگرو حفظ حکومت و دولت اسلامی است (امام خمینی، ۱۴۱۵ ق، ج ۲، ۶۶۵) و حفظ حکومت اسلامی بدون کسب اطلاعات و اخبار در سطح جامعه و بین‌الملل، به‌حکم عقل و وجدان، امکان‌پذیر نیست؛ حکومت اسلامی، با تحت نظر گرفتن کارگزاران و مأموران حکومت، کردار آنان را پنهانی مراقبت می‌کند تا استمرار اهلیت، شرایط و اوصاف معتبر آنان پیوسته رصد شود؛ چه این که نظارت

بر اعمال آنان، موجب مَهَار قدرت به‌منظور تأمین حقوق و آزادی‌های عمومی است. حکومت اسلامی با کسب اخبار و آگاهی‌های کافی درباره اوضاع، تحرکات و تلاش‌های دولت‌ها و ملت‌های بیگانه، قرارومدارها و برنامه‌های ضد اسلامی و نظامی آنان را رصد کرده و با تلاش و کوشش جدی در گردآوری اخبار و گزارش‌های مربوط به جاسوسان، احزاب سرّی و تحرکات مخالفان حکومت اسلامی و اهل نفاق و توطئه‌های آنان در داخل حکومت اسلامی، اسباب غلبه و پیروزی بر دشمنان اسلام را فراهم و موجب حفظ نظام اسلام می‌شود. حکومت اسلامی با کسب اخبار از اوضاع و احوال توده‌های مردم و جریانات جامعه، از نیازمندی‌ها، نابسامانی‌ها و کمبودهای آنان اطلاع یافته و درصدد رفع آن برمی‌آید.

مطالعه سیره عملی پیامبر اکرم (صلی الله علیه) و حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) در اداره حکومت اسلامی و گوشزد کردن آن به والیان و استانداران خود که در قالب گزارش‌های مختلفی در منابع تاریخی و روایی نقل شده و توسط برخی (صلواتی و شکوری، ۱۴۰۹، ق، ۴، ج ۳۷۲-۳۰۹) گرد آوری شده، به‌روشنی لزوم بازرسی و تجسس را در حکومت اسلامی به‌منظور حفظ نظام اسلام به تصویر می‌کشد.

کسب اطلاعات و اخبار تنها با وجود نهاد و دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی در درون حکومت و تحت اشراف حاکم اسلامی محقق می‌شود تا گرد آوری اطلاعات و اخبار، دچار آشفتگی و هرج‌ومرج نگردد. سیره استمرار یافته مسلمانان که در مرآی و منظر حضرات معصومین نیز بوده است، حاکی از وجود چنین نهاد‌های ویژه‌ای برای حاکمان است (همان).

تقابل ادله قاعده حفظ نظام با ادله حرمت نقض حریم خصوصی

در توضیح این تقابل، دو تبیین فقهی ارائه می‌شود:

تبیین اول:

برای کسب اخبار و کشف برخی حقایق پنهان، درجایی که مصلحت موجود در تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد، از مفسده آن، مهم‌تر باشد، قانون «لزوم تقدیم اهم بر مهم» جاری است. [۲] در تزامن (تنگانگی) میان حرام بودن تجسس و ورود به حریم خصوصی افراد و وجود مصلحت دیگر، معیار، «اهم» بودن دلیل است (مشکینی، ۸۷) پس آن که مهم‌تر است، پیش می‌افتد. (خوئی، ۱۴۲۰، ق، ۴، ج ۲۷۸).

ادله حرمت ورود به حریم خصوصی افراد، هنگام تزامن با ادله قاعده حفظ نظام اسلام و مراعات مصلحت عمومی جامعه، به مرحله فعلیت نرسیده و تنها در مرحله «شأنی» باقی می‌ماند. همین امر باعث می‌شود تا دستگاه‌های اطلاعاتی در ورود به حریم خصوصی افراد با توجه به مورد و تشخیص اهمیت آن،

به تجسس و تفحص از باورها و رفتارهای اشخاص اقدام کنند و این امر نه تنها جایز و مشروع بلکه در برخی موارد که بستگی به میزان اهمیت آن دارد، واجب و ضروری است (ر.ک؛ خرازی، ۱۳۸۰ ش). و اصل «هدف، وسیله را توجیه نمی‌کند» نمود و مصداقی از قانون «اهم و مهم» است و با دقت می‌توان قانون مزبور را در آن اصل ملاحظه کرد (ر.ک؛ علی دوست، ۱۳۸۸ ش، ۴۵۳)؛ به عبارت دیگر، حفظ نظام و پاسداری از آن، از اموری است که شارع مقدس راضی به ترک و اهمال در آن نیست، به همین دلیل در تراحم با هر دلیل حرمتی از جمله ادله حرمت ورود به حریم خصوصی، دلیل حرمت از فعلیت خارج شده و ارتکاب آن دیگر حرام نیست.

البته توجه به عنوان حفظ نظام، سبب می‌شود تا علاوه بر این تبیین و تطبیق مسئله به باب تراحم و تقدیم اهم بر مهم در مقام امتثال، تبیین دیگری مطرح شود که توجه به آن با عنایت به ادله وجود حفظ نظام خالی از قوت و اعتبار نخواهد بود.

تبیین دوم:

همان‌طور که گفته شد حفظ نظام به مصلحت عام برمی‌گردد و تک‌تک آحاد جامعه مأمور به حفظ نظام و منهی از هتک و اخلال آن هستند چه با اخلال، عسر، حرج، اضطراب و ... پیش آید یا نیاید. عمل به احکام دین اسلام توسط همگان در جامعه اسلامی یکی از بارزترین عواملی در حفظ نظام اسلام است؛ به عنوان مثال، همگان، در وهله اول، به حرمت تکلیفی تجسس و تفحص از امور پنهانی بکدیگر و به اصطلاح حرمت ورود به حریم خصوصی افراد، مکلف هستند و عدم رعایت و امتثال این حکم، موجب اخلال نظام خواهد بود.

حال اگر در مواردی حفظ نظام در گروه نقض برخی از احکام ابتدایی و اولیه اسلام باشد و یا عمل به آن احکام در شرایط ویژه و خاص، به اخلال نظام منجر شود، حکم شرعی اسلام از عنوان حکم اولی به حکم ثانوی تبدیل می‌شود. به عبارت دیگر، وقتی حرمت تجسس و تفحص و عمل مطابق آن، موجب اخلال نظام شود و مصلحت عمومی جامعه در نقض حریم خصوصی برخی افراد توسط دستگاه‌های اطلاعاتی باشد، این تغییر عنوان، موجب تغییر حکم اولی حرمت تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد، به حکم ثانوی جواز و در بعضی فروض واجب، خواهد شد.

اگر دستگاه‌های اطلاعاتی و نهادهای امنیتی، در برخی موارد، با توجه به تحقیقات میدانی، علم اجمالی بر ارتکاب و تحقق عمل یا حادثه‌ای یافتند، تهیه اخبار و کسب اطلاعات تفصیلی‌تر بدون ورود به حریم

خصوصی تمام افراد در طرف شبهه علم اجمالی امکان‌پذیر نیست و هرچند ورود به حریم خصوصی افراد، به حکم اولی حرام است، اما حفظ نظام، عنوانی است که می‌تواند ما را به حکم ثانوی ورود به حریم خصوصی افراد که همانا جواز بلکه، در مواردی ضروری، واجب است رهنمون نماید، چنانکه امام خمینی (ره) فرمودند: «...[جاسوسی] برای حفظ اسلام و حفظ نفوس مسلمین واجب است» (امام خمینی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۵، ۱۱۶).

گستره نقض حریم خصوصی افراد با توجه به قاعده حفظ نظام

نقض حریم خصوصی افراد باید با علم اجمالی به وجود مُنکر، در حد ضرورت، بدون اشاعه فحشا و با حفظ اسرار و عیوب پنهانی و شخصی مردمان از بقیه افراد جامعه همراه باشد.

وقتی به منظور حفظ نظام، بنا بر حکم ثانوی، به تجسس و تفحص از حریم خصوصی افراد پرداخته می‌شود، باید این عمل آن‌ها مستند به علم باشد ولو اجمالی؛ به عبارت دیگر، ضرورت یا مصلحت حفظ نظام تنها وقتی می‌تواند مورد استناد قرار گیرد که محدوده افرادی که ناگزیر باید تحت کنترل و تجسس نهادهای اطلاعاتی قرار گیرند، به حسب اهمیت موضوع، به علم اجمالی مشخص باشد، بنابراین تنها در همین محدوده می‌توان به حکم ثانوی جواز یا لزوم ورود به حریم خصوصی افراد استناد نمود و مجرد احتمال و گمان، بدون علم به ضرورت و مصلحت، در ورود به حریم خصوصی گروهی از افراد، خلاف حکمت جعل حکم ثانوی در عناوین ثانوی است. کلام امام خمینی (ره) در بند ششم از فرمان هشت ماده‌ای، صادره در سال شصت، به همین مطلب اشاره دارد (همان، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۷، ۱۳۹).

گستره نقض حریم خصوصی علاوه بر استناد به علم اجمالی، باید در حد ضرورت صورت پذیرد و بر بیش از آن مقدار، عنوان ثانوی مشکوک و حکم ثانوی جواز یا وجوب تجسس از حریم شخصی افراد، مشکوک و اصل بر عدم آن است. کسب اخبار و کشف فساد با ورود به حریم خصوصی افراد باید مرحله به مرحله صورت گیرد و هنگامی که می‌توان با در نظر گرفتن حریم اطلاعاتی و حریم ارتباطاتی محل کار و امور خارج از منزل شخصی او به جوانب مسئله مورد نظر دستگاه‌های اطلاعاتی پی برد، ورود به حریم مکانی و منزل شخصی او که با نقض حریم خصوصی افراد دیگری مثل همسر و فرزندان او همراه است، ضرورتی نداشته و حکم ثانوی جواز تجسس متفی است. بله، شکی نیست که اگر ضرورت این کار در مواردی، تشخیص داده شود، برای حفظ و صیانت از نظام، می‌توان به حریم جسمانی و حریم مکانی او و حتی خانواده او نیز ورود داشت.

البته این ورود به حریم خصوصی افراد به‌هیچ وجه نباید موجب اشاعه فحشا و آشکار شدن اسرار و عیوب پنهانی و شخصی مردمان در جامعه شود. اشاعه فحشا منحصر به متهم سازی دیگران به تهمت و دروغ بی‌اساس و نشر آن نیست؛ این تعبیر مفهوم وسیعی است که هرگونه نشر فساد و اشاعه زشتی‌ها و قبايح و کمک به توسعه آن را شامل می‌شود (طباطبائی، ۱۴۱۷ ق؛ و مکارم، ۱۳۷۴ ش، ذیل آیه ۱۹ از سوره نور). این مضمون نه‌تنها در قرآن کریم (نور (۲۴):۱۹) بلکه در جوامع روایی و حدیثی نیز با تعبیر «اسرار دیگران را فاش نکنید» (کلینی، ۱۴۰۷، ج ۲، ۳۵۹، ح ۲)؛ و «فاش کردن اسرار، مصداقی برای خیانت و ظلم به صاحب سر است» (طوسی، ۱۴۱۴ ق، ۳۵۷) تأکید شده است؛ و چه‌بسا مراد از عذاب دنیوی دردناک، در آیه شریفه، اشاره به حدود و تعزیرات شرعی و واکنش‌های اجتماعی و آثار شوم فردی فاش کردن فحشا باشد.

در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه، حضرت امیرالمؤمنین (علیه السلام) وقتی ضرورت تفحص و تجسس در اعمال کارگزاران و مأموران حکومتی را مطرح و با تعبیر «وَابَعَثَ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصَّدَقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ فَإِنَّ تَعَاهُدَ فِي السِّرِّ لِأَمْرِهِمْ حَدُودٌ لَهُمْ عَلِيٌّ اسْتِعْمَالُ الْأَمَانَةِ»، دستور به کنترل اعمال و رفتار کارگزاران را صادر می‌کند و آن را مایه امانت‌داری و مهربانی به رعیت برمی‌شمارد، در ادامه می‌نگارد «فَإِنَّ فِي النَّاسِ عُيُوبًا الْوَالِي أَحَقُّ مَنْ سَتَرَهَا فَلَا تَكْشِفَنَّ عَمَّا غَابَ عَنْكَ مِنْهَا...» یعنی «مردمان عیوبی دارند که حاکم در پنهان داشتن آن از همه سزاوارتر است، پس نباید آن‌چه پنهان و نهان است آشکار گردانی».

این کلام حضرت، حکایت از آن دارد که در ورود به حریم خصوصی افراد از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی حکومت که به‌منظور حفظ نظام و بنا بر حکم ثانوی آن صورت می‌گیرد، نباید عیوب پنهان مردمان برای بقیه از افراد جامعه فاش شود و آبرو و حرمت مؤمن هتک شود. امام خمینی (ره) نیز در بند پنجم از فرمان هشت ماده‌ای به این مسئله در کلامی گویا و شیوا اشاره می‌کند: «مؤکداً تذکر داده می‌شود که اگر برای کشف خانه‌های تیمی و مراکز جاسوسی و افساد علیه نظام ... با آلت لهو و آلات قمار و فحشا و سایر جهات انحرافی... برخورد کردند، حق ندارند آن را پیش دیگران افشا کنند. چرا که اشاعه فحشا از بزرگ‌ترین گناهان کبیره است و هیچ‌کس حق ندارد هتک حرمت مسلمان و تعدی از ضوابط شرعیه نماید...». (امام‌خمینی، ۱۳۷۸ ش، ج ۱۷، ص ۱۳۹).

نتیجه‌گیری

ورود به حریم خصوصی افراد در فقه امامیه به حکم اولی حرام و عمل به این حکم برای حفظ نظام کلان اجتماعی بر آحاد مردمان واجب و لازم است که دولتمردان وظیفه سنگین‌تری نسبت به دیگران در حفظ حرمت و حریم دیگران دارند؛ حال اگر ضرورت یا مصلحت حفظ نظام در مواردی، اقتضا کند تا همین حکم مذکور نقض گردد، با تغییر عنوان، ورود به حریم خصوصی افراد به حکم ثانوی جایز و در برخی فروض واجب است. و مراد از میان‌کنش قاعده حفظ نظام و حریم خصوصی افراد همین تبیین است. و ورود به حریم خصوصی افراد باید با علم اجمالی به اطراف شبهه و به اقتضای ضرورت و فارغ از هرگونه افشای عیوب نهان و پنهانی غیر از مسئله مورد تجسس و تفحص، باشد. و الله العالم المتعال و الحمد لله رب العالمین.

پی‌نوشت‌ها

[۱]. آزادی عملکرد فردی، حق حیات، حق آزادی، حق امنیت و مصونیت مسکن، تعرض ناپذیری مکاتبات، آزادی رفت و آمد، آزادی عقیده و اندیشه، آزادی آیین، آزادی بیان، آزادی آموزش و پرورش، آزادی اخبار و اطلاعات، آزادی نمایش، آزادی گردهمایی، آزادی تجمعات موقتی و آزادی تجمعات دائمی، آزادی‌های اقتصادی و اجتماعی، آزادی مالکیت، آزادی بازرگانی و صنعتی، آزادی سندیکایی (حق اعتصاب) نمونه‌ای از مطالب مذکور در این اسناد برای تبیین است.

[۲]. علاوه بر اسناد نقلی و روایی این قاعده (بقره (۲): ۲۱۹؛ و حرّاعلی، ۱۴۰۹ ق، ج ۳، ص ۳۷۶، ح ۳؛ و ج ۱۷، ص ۲۱۶، ح ۱۱) سند عقلی این قاعده چنین است: بدون تردید تشریح و تکوین با یکدیگر رابطه دارند و نمی‌تواند آن‌چه در تکوین وجود دارد و مورد نظر شارع نیز می‌باشد، در تشریح منعکس نشود و تشریح و استنباط بدون لحاظ آن صورت پذیرد و پر واضح است که تفاوت مراتب مصالح و مراتب که امری تکوینی است، ملاحظه آن را در تقنین در قالب لزوم تقدیم اهم بر مهم خواهد بود.

منابع و مأخذ:

قرآن کریم

نهج البلاغه

ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی‌تا)، *النهایه فی غریب الحدیث و الأثر*، قم: مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، اول، ج ۱.

ابن فارس، احمد (۱۴۰۴ ق)، *معجم مقاییس اللغه*، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، اول، ج ۲.

ابن منظور (۱۴۱۶ ق)، *لسان العرب*، بیروت: دار احیاء التراث العربی و مؤسسه التاریخ العربی، اول، ج ۵.
اسکندری، مصطفی (۱۳۸۹ ش)، *ماهیت و اهمیت حریم خصوصی*، فصلنامه حکومت اسلامی، سال پانزدهم، شماره چهار، (شماره پیاپی ۵۸)، ص ۱۷۵-۱۴۷.

اصفهانی، شیخ محمدحسین (۱۴۰۹ ق)، *الإجاره*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

امام خمینی (ره)، *سید روح الله موسوی (۱۳۷۸ ش)*، *صحیفه امام*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱۱ و ۱۵ و ۱۷.

امام خمینی (ره)، *سید روح الله موسوی (۱۴۱۵ ق)*، *المکاسب المحرمه*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره)، ج ۱ و ۲.

بروجردی، سید حسین (۱۴۱۲ ق)، *الحاشیه علی کفایه الاصول*، قم: نشر انصاریان، ج ۱.

جوهری، اسماعیل بن عباد (۱۴۱۰ ق)، *الصحاح فی اللغه*، بیروت: دارالعلم، ج ۵.

حائری یزدی، شیخ عبدالکریم (۱۴۱۸ ق)، *دررالفوائد*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، ششم، ج ۲.

حرعاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ ق)، *وسائل الشیعه*، قم: مؤسسه آل‌البیت ۷ لإحياء التراث، ج ۳ و ۱۷.

حکیم، محمدتقی (۱۴۱۸ ق)، *الاصول العامه للفقہ المقارن*، قم: المجمع العالمی لاهل‌البیت ۷.

خرازی، سید محسن (۱۳۸۰ ش) *کاووسی در حکم فقهی تجسس*، مجله فقه اهل‌بیت (فارسی)، شماره ۲۶، ص ۱۴۲-۵۴.

خمینی، سید مصطفی (۱۴۱۸ ق)، *تحریرات فی الاصول*، قم: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۷، ج ۲.

خویی، سید ابوالقاسم موسوی (۱۴۲۰ ق)، *اجود التقریرات*، تقریرات محقق نائینی، قم: انتشارات مصطفوی، ج ۴.
دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳ ش)، *لغتنامه دهخدا*، زیر نظر: محمد معین و سیدجعفر شهیدی، تهران: دانشگاه تهران.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ ق)، *مفردات الفاظ القرآن*، لبنان و سوریه: دارالعلم - الدار الشامیه.

سبزواری، سید عبدالاعلی (۱۴۱۳ ق)، *مهدب الاحکام فی بیان الحلال و الحرام*، قم: دفتر آیة‌الله سبزواری، چهارم، ج ۲۸.

سیفی مازندرانی، علی‌اکبر (۱۳۸۳ ش)، *مبانی الفقه‌الفعال فی القواعد الفقهیه الأ‌ساسیه*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی التابعه بجامعه المدرسین.

صدر، سید محمد باقر (۱۴۱۸ ق)، *دروس فی علم الاصول*، قم: مؤسسه النشر الاسلامی، پنجم، ج ۲.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۰۳ ق)، *معانی الأخبار*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ق)، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، دوم، ج ۱ و ۳.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۳۸۵ ق)، *علل الشرائع*، قم: کتاب‌فروشی داوری.

صلواتی، محمود و ابوالفضل شکوری (۱۴۰۹ ق)، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، قم: مؤسسه کیهان.

طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ج ۱۸.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ ش)، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، تهران: انتشارات ناصر خسرو.

طریحی، فخرالدین (۱۳۷۵ ش)، *مجمع البحرین*، تهران: مکتبه الرضویه.

طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ق)، *الأ‌مالی*، قم: دارالثقافه.

عراقی، آقاصیاءالدین (۱۴۱۴ ق)، *شرح تبصره المتعلمین (کتاب القضاء)*، تحقیق: شیخ محمدحسبون، قم: مؤسسه النشر الاسلامی.

علیدوست، ابوالقاسم (۱۳۸۸ ش)، *فقه و مصلحت*، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴ ق)، *قواعد فقه سیاسی (مصلحت)*، تهران: امیرکبیر، ج ۸.

فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)، *العین*، تحقیق: مهدی المخزومی و ابراهیم السامرائی، تصحیح: اسعد الطیب، انتشارات اسوه.

فیروزآبادی، محمد بن یعقوب (۱۴۱۲ ق)، *القاموس المحيط*، بیروت: دار احیاء التراث العربی.

قنواتی، جلیل و دیگران (۱۳۹۳ ش)، *میان کنش قاعده لا ضرر و حریم خصوصی*، مجله مطالعات حقوقی دانشگاه شیراز، دوره ششم، شماره دوم، تابستان ۹۳، ص ۱۲۵-۱۵۳.

کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ق)، *الکافی*، تهران: دار الکتب الاسلامیه، چهارم، ج ۲ و ۳ و ۷.

مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، *بحارالانوار*، بیروت: مؤسسه الوفا، دوم، ج ۷۱ و ۷۲.

محقق اردبیلی، احمد بن محمد (بی‌تا)، *زبده البیان فی احکام القرآن*، تهران: مکتبه الجعفریه لإحیاء الآثار الجعفریه.

محقق داماد، مصطفی (۱۳۸۰ ش)، *قواعد فقه*، تهران: نشر علوم اسلامی، هشتم، ج ۱.

مشکینی، علی (۱۴۱۳ ق)، *اصطلاحات الاصول*، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

مظفر، محمدرضا (۱۳۷۵ ش)، *اصول الفقه*، قم: انتشارات اسماعیلیان.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴ ش)، *تفسیر نمونه*، تهران: دار الکتب الإسلامیه.

ملک افصلی اردکانی، محسن (۱۳۸۹ ش)، *آثار قاعده حفظ نظام*، مجله حکومت اسلامی، سال پانزدهم،

شماره چهارم، (شماره پیاپی: ۵۸)، ص ۱۵۰-۱۰۹.

ورعی، سید جواد (۱۳۹۳ ش)، *قائده «اختلال نظام» مفاد و قلمرو آن در فقه*، فصلنامه حکومت اسلامی،

سال نوزدهم، شماره اول، (شماره پیاپی ۷۱)، ص ۳۱-۵.

